

روزنه‌ای به مفاهیم ادیان در دایره‌المعارف‌ها

## دایرةالمعارف معنویت

(معنویت اسلامی)

محمدجواد ادبی

مجموعه‌ای ارزشمند از پویش معنوی در باب حکمت دینی و تاریخی ادیان با عنوان "spirituality world" توسط انتشارات "crossroad" فراهم آمده است که مجموعاً ۲۵ مجلد را تشکیل می‌دهد. در این مجموعه می‌توان ناظر جد و جهد بلیغ معنوی جوامع انسانی در گستره زمانی نامحدودی بود که از مقابل تاریخ تا تاریخ معاصر را در برمی‌گیرد؛ آن هم در سطح پژوهشی جامع که مجموعه‌ای واحد از میراث معنوی بشریت را نمایان می‌کند. پنج مجلد ابتدایی به معنویت‌های کهنی توجه دارد که در میان مردمان پیشین آسیا، اروپا، آفریقا، اقیانوسیه و امریکای شمالی و جنوبی جاری و ساری بوده است که البته به معنای سنت‌های زیستی، دیگر از آنها خبری نیست؛ اگرچه برخی قبیله‌ها در بعضی نقاط جهان هنوز هم بخشی از این سنت‌ها را به‌جا می‌آورند. هرچند می‌توان به این پنج مجلد به‌عنوان بخشی کهن که به زنده نگاه‌داشتن معنویت سنت‌های گذشته به‌مثابه پایه‌هایی مبنایی برای آیین‌های مذهبی و اسطوره‌ها اهتمام می‌ورزند نگرست، مجلدات منفرد یا مجموعه‌های ترکیبی هم در بخش‌های دیگر وجود دارد که به سنت‌های اصلی و مهم نظیر هندو، بودا، تائو، کنفوسیوس، یهودیت، مسیحیت و اسلام می‌پردازد. در کنار سنت‌های اصلی، این مجموعه به سنت‌های معنوی خاصی نظیر مصری، سومری و یونانی - رومی که از میان رفته‌اند اما بر وضعیت کنونی معنویت ادیان تأثیر داشته‌اند، نیز پرداخته است. مجلدی به نهضت‌های معنوی مدرن و مجلدی هم به نهضت‌های سکولار مدرن اختصاص یافته است. در دو مجلد دیگر هم با

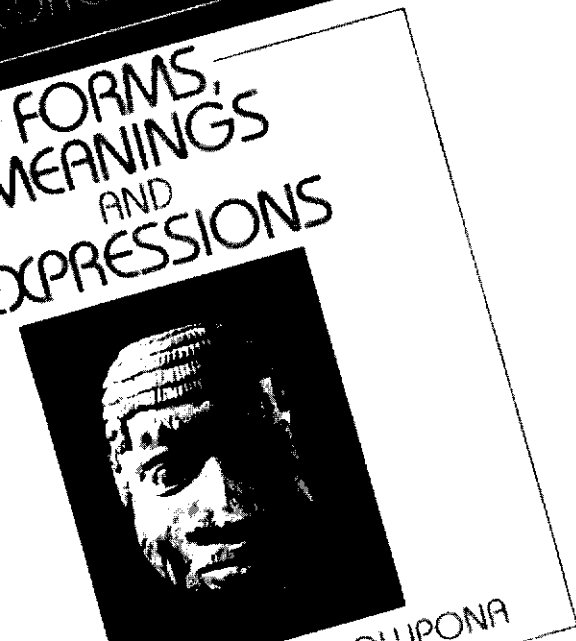
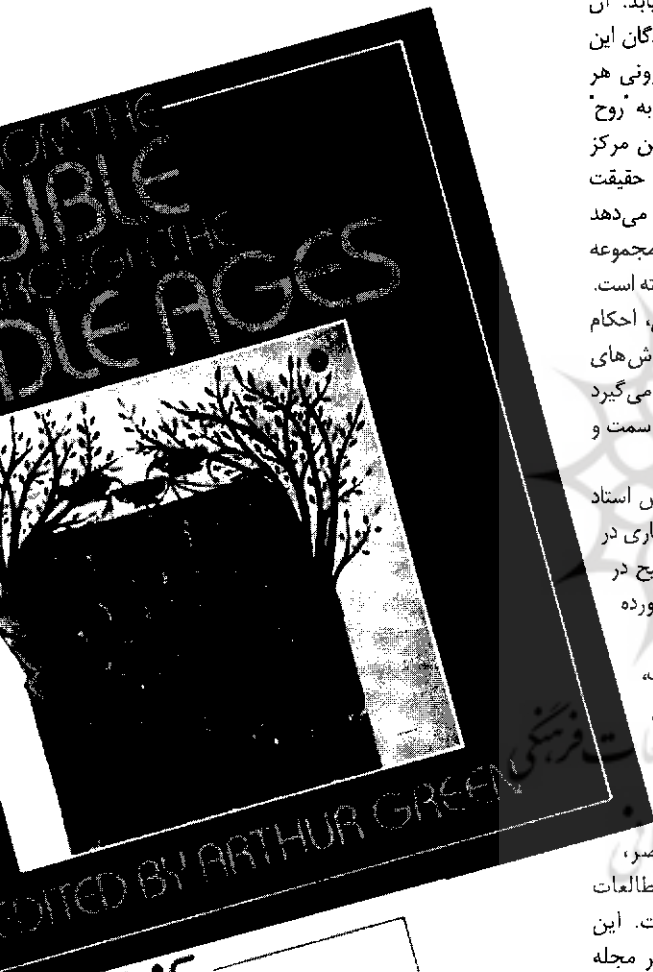
تاریخ سنت‌های گونه‌گون معنوی مواجه می‌شویم. در یکی کاوشی در باب مواجهه معنویت‌ها از گذشته تا حال را مشاهده می‌کنیم که موضوعاتی که در مواجهه‌های معنوی راه‌گشا و کارساز بوده را بررسی می‌کند، مثل نمادها، آیین‌ها و حتی شیوه‌ها و راهکارهای معنوی، و در دیگری هم همین تحلیل نسبت به موقعیت کنونی و فضای معنوی آینده ارائه شده است. پایان‌بخش مجلدات هم فرهنگ معنویت جهان است که همه گفته‌ها و شنیده‌ها را در یک‌جا جمع کرده است. عناوین مجلدات مذکور به صورت مختصر چنین است: ۱- معنویت کهن آسیایی ۲- معنویت باستانی اروپایی ۳- معنویت مهجور افریقا و اقیانوسیه ۴- معنویت بومی امریکای شمالی و جنوبی ۵- معنویت سرخپوستی امریکای شمالی ۶- معنویت هندی: وداها تا پایان ودانته ۷- معنویت هندی: پس از دوره کلاسیک و دوره جدید ۸- معنویت بودایی: هندی، سری لانکایی، آسیای جنوب شرقی ۹- معنویت بودایی: چینی، تبتی، ژاپنی و کره‌ای ۱۰- معنویت تائویی ۱۱- معنویت کنفوسیوسی ۱۲- معنویت کهن خاور نزدیک: زردشتی، سومری، آشوری- بابلی، ۱۳- معنویت یهودی: از کتاب مقدس تا قرون وسطا ۱۴- معنویت یهودی: از بیداری قرن شانزدهم تا کنون ۱۵- معنویت مدیترانه‌ای کلاسیک: مصری، یونانی و رومی ۱۶- معنویت مسیحی: سرچشمه‌ها تا قرن دوازدهم ۱۷- معنویت مسیحی: قرون وسطا و اصلاح دینی ۱۸- معنویت مسیحی: پس از احیای دینی و دوران جدید ۱۹- معنویت اسلامی: میانی و بنیادها ۲۰- معنویت اسلامی: تجلیات ۲۱- نهضت‌های باطنی جدید ۲۲- معنویت و کاوش‌های سکولار ۲۳- مواجهه با معنویت‌ها: گذشته تا حال ۲۴- مواجهه با معنویت‌ها: حال تا آینده ۲۵- فرهنگ معنویت جهان.

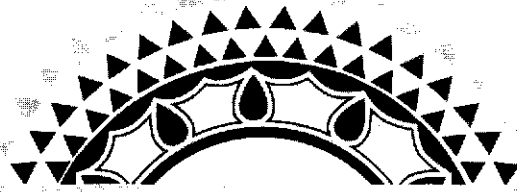
هر مجلد توسط یکی از پژوهشگران برجسته یا تیمی از متخصصان طراز اول ویراستاری شده است. تلاش شده تا در انتخاب ویراستاران و نویسندگان مقالات این مجموعه، آثانی برگزیده شوند که در کنار پژوهش‌های سنتی، در زمینه‌های دینی و فرهنگی نیز دارای موقعیت خاص علمی باشند و در نتیجه بتوانند در ارائه موضوعات، گستره وسیع‌تری را برای مخاطبان بگشایند. در فهرست سروراستاران این مجموعه نام‌هایی چون فرهنگ مهر، سیدحسین نصر، هیوتسون اسمیت، ای. اچ. آرمسترانگ، جوز فادن، یوشینوری تاکاشی، گری گوسن و آلبرت اتلو آمده است که حاکی از انتخابی دقیق و کاملاً علمی است. در کنار این محققان برجسته، حدود پنج هزار نفر از محققان رشته‌های مختلف دیگر نیز در این

پروژه فعالیت داشته‌اند. در این پروژه تحقیقی هیچ قصدی برای ارائه یک تعریف واحد از معنویت در میان نبوده است، زیرا اصطلاح «معنویت» یا هر چه معادل آن باشد، در هر سنتی معانی خاص خود را دارد. پس به تعریفی کم و بیش مشترک و حداقلی برای معنویت اکتفا شده است تا در هر سنتی توسط پژوهشگران متخصص، این تعریف مطابق با موقعیت ویژه آن سنت بسط و وضوح یابد. آن تعریف حداقلی که نقطه شروع کار پژوهندگان این مجموعه قرار گرفته است، توجه به بعد درونی هر انسانی است که توسط سنن مختلف تعبیر به «روح» شده است؛ هسته معنوی‌ای که عمیق‌ترین مرکز ثقل فرد را تشکیل می‌دهد. مواجهه با آن حقیقت الحقایق در بعدی متعالی از وجود آدمی روی می‌دهد که واژه «spirit» ناظر بر آن بعد است و این مجموعه برای یافتن گوهر حقیقی آن به کاوش پرداخته است. این مجموعه در ارتباط مستقیم با نیایش، احکام روحانی، تعیین مسیر سلوک معنوی و روش‌های طی طریق در صعودهای روحی و معنایی قرار می‌گیرد و منبعی معرفتی و مفصل در جهت یافتن سمت و سوی روحانی ادیان است.

سروراستار این مجموعه، اورت کازنیس استاد فلسفه در دانشگاه فوردهام است که آثار بسیاری در زمینه معنویت مانند «معنویت جهانی- مسیح در قرن بیست و یکم» و... را به رشته تحریر درآورده است.

از مجموعه بیست‌وپنج جلدی مورد بحث، در این نوبت به بخش معنویت اسلامی (تجلیات) می‌پردازیم و کاوش در بقیه مجلدات را به فرصت دیگری وامی‌گذاریم. ویراستار بخش میانی و این بخش با عنوان «تجلیات»، سیدحسین نصر، سنت‌گرای معروف معاصر و استاد مطالعات اسلامی دانشگاه «جرج واشنگتن» است. این اثر در سال ۱۹۹۷ انتشار یافته و به تعبیر مجله «هیتروپ»: «اثری ارزشمند و مهم به شمار می‌رود که ذخیره‌ای از بهترین جوانب معنویت اسلامی در شکل مقایسه‌ای آن است.» با این حال، با وجود وسعت پهناور جهان اسلام، وجود نژادهای قومی متفاوت در آن و گسترش فرهنگی که اسلام به وجود آورده است، فقط دو مجلد به اسلام اختصاص یافته که در مقایسه با مسیحیت حجم کمی است. در این مجلدات تلاش شده تا در حوزه‌های خاصی از جهان اسلام به نحوی عمیق پرداختی پژوهشی صورت گیرد و تصویری روشن از گستره‌های معرفتی، مکاتب و دوره‌های تاریخی در





معنویت اسلام عرضه شود. از آنجا که در تحقیقات قبلی غربیان، برخی موضوعات محل توجه بیشتر بوده‌اند، در این بخش توجه به موضوعات بدیع معنوی در حوزه اسلام از اهمیت بیشتری برخوردار است تا موقعیتی متعادل در ارائه موضوعات به وجود آید.

تاریخ‌گرایی از قرن نوزدهم در پی فروکاهش دین به پدیده‌ای حداقلی در تاریخ بوده و از جایی دیگر عقل‌گرایی و شک‌گرایی فراعقلانی و حتی پوچ‌گرایی به محاجه با مدعیات معنوی دینی پرداخته‌اند. در این میان طی طریق در راهی متعادل ما را به شناختی قرین معرفتی صحیح رهنمون می‌شود که در این اثر چنین راهکار شناختی‌ای مبنای انتخاب مقالات و موضوعات بوده است.

در مجلد اول که مبنای معنویت اسلامی مدنظر بوده است، به قرآن، زندگی پیامبر اسلام، حدیث و سنت روایت سخنان پیامبر اسلام، آیین و اعمال اسلامی، نیایش‌های خاص، شیعه و معنویت بانوان، طبیعت، خاستگاه و اساس نگاه صوفیان و عارفان، دیدگاه اسلام در باب خداوند، فرشتگان، کیهان، انسان، معاد و... پرداخته شده و غرض این بوده است که به واقعیات فراتاریخی، تغییرناپذیر و پایایی که مشخصه اسلام به‌عنوان یک دین پویا و در حال جوشش است توجهی عمیق شود. مجلد دوم اما به معنویت اسلامی در زمان و مکان با رهیافتی باطنی نظر افکنده و به صوفیه و تعالیم، نوشتارها، اعمال و سلوک عملی آنها در عرفان پرداخته است.

این بخش را می‌توان اولین پژوهش عمیق جهانی در باب صوفیه دانست که درباره شرایط و اوضاع معنوی و متمایز سلوک اهل تصوف و معنویت قابل ملاحظه‌ای که در تعالیم آنها مشهود است، انجام شده است.

تفاوت‌های قابل توجهی که میان پژوهش سنتی و پژوهش مدرن امروز غرب وجود دارد، انتخاب محققان و پژوهندگان را برای چنین مجموعه‌هایی بسیار سخت می‌کند، در عین حال، زبان این پژوهشگران در فضای سنت باید برای مخاطبان غربی قابل فهم باشد.

برای این مهم نویسندگانی انتخاب شدند که در درجه اول قید اسلام را دارا باشند و در کنار آن این تبحر را داشته باشند که مفاهیم ثقیل و گاه بسیار متفاوت سنت معنوی اسلامی را انتقال دهند.

در مرتبه بعدی نیز از محققانی بهره برده شده که با معنویت اسلام ارتباط زیستی تنگاتنگی داشته‌اند و از توان بیان سخن‌های بدیع در باب این همزیستی معنایی برخوردار باشند. برای مجلد اول نویسندگان مختلفی از جهان اسلام و غرب از سرزمین‌های

گوناگون انتخاب شده‌اند و به نظر می‌رسد قصد یکسان‌سازی متون و دیدگاه‌ها به هیچ‌وجه در میان نبوده و سعی شده گوناگونی‌های نژادی - بومی موجود در عالم اسلام حتی در روش نوشتن مقالات هم نمایانگر باشد. تنها شکل یکسان در نوشتارها، عرضه منابع، استفاده از قواعد دستوری رایج و حروف‌نگاری واژه‌ها در زبان عربی بوده است. در ترجمه آیات و روایات هم به‌عمد از ترجمه کسانی مثل آربری، پیسکتال و نویسندگان قابل‌اعتنایی از این دست که در برگردان زبان مبدأ به زبان مقصد از تبحر و تخصص کافی برخوردارند، بهره گرفته شده است. در مجلد دوم، که به تجلیات باطنی و مکاتب عرفانی در چارچوب معنویت اسلامی پرداخته شده، کسانی مثل خلیل احمد نظامی با مقاله "قدریه" که به تعالیم و زندگی عبدالقادر جیلانی توجه داشته، ویکتور دتر که به صوفیه افریقای جنوبی و "طریقه شاذلیه" علاقه‌مند بوده و ارتباط میان نظام شاذلیه با اشعریه و مالکیه را معین کرده است و محمود عیسی والی که به "کبرویه" و اسفار هفت‌گانه باطنی این طریقت و گبرایی خاصی که مسأله رؤیت برای اینان دارد توجه داشته، قابل‌اعتنا هستند. مطالبی نیز درخصوص "چشتیه" با مقاله سعیداطهر عباسی‌دیزوی، "تعمت‌اللهیه" با مقاله جواد نوربخش، "ملاطیه و گروه اویسیه و اهل حق" هم با مقاله سیدحسین نصر در این مجموعه مطرح می‌شوند. از ویلیام سی‌جیتیک، عرفان‌پژوه معاصر، هم دو فصل مجزا و مفصل به مکتب محی‌الدین ابن‌عربی (پدر عرفان نظری در عالم اسلام) و مولانا جلال‌الدین رومی اختصاص یافته است. چیتیک در مقاله‌ای که به ابن‌عربی پرداخته به زندگی او، تأثیر و تأثرش از دیگران، نفوذ تعالیم وی، تحلیل مفاهیمی مثل وحدت و کثرت، هزاران نام الهی، انسان کامل و... پرداخته و حتی جداولی ترسیم و با استفاده از آنها بسیاری از تعالیم سنگین و غامض مکتب وحدت وجود را تحلیل و تبیین کرده است. در باب مولانا هم همین نسق رعایت شده و به "دین عشق" آنچنان که مولانا آن را معرفی می‌کند نیز پرداخته شده است. در مورد علمی مثل "جفروسیمیا" و ارتباط و تجانس عرفان‌هایی مثل "قباله" در سنت‌های دیگر که در زمره علوم خفیه یا علوم غریبه هستند و واژه‌های کلیدی و مفهومی‌ای نظیر نفس‌الرحمن (the breath of compassionate) در آنها دیده می‌شود نیز در این مجموعه، مطالب کارآمد و تحقیقی زیادی به چشم می‌خورد.

نویسندگان و سروراستار این مجموعه تلاش کرده‌اند فارغ از نگاهی صرفاً تاریخی و عمدتاً نامربوط با جهان معاصر، تحلیل‌ها و نظرهایی ارائه کنند که

با نیازهای معنویت معاصر ربط و نسبتی گسترده داشته باشد.

اینکه بسیاری از جنبه‌های معنوی اسلام تحت‌الشعاع دوران مدرنیته قرار گرفته، هنر و معماری اسلامی از بذل توجه خاص معاصران دور مانده و بسیاری از مکاتب سنتی اندیشه یا فراموش شده یا توسط تفسیرگران متجدد به تحریف دچار شده است، همه و همه لزوم توجه به معنویت اسلام را گوشزد می‌کنند که جوابگوی بسیاری از محرومیت‌ها و محدودیت‌های بشر معاصر است.

\*\*\*

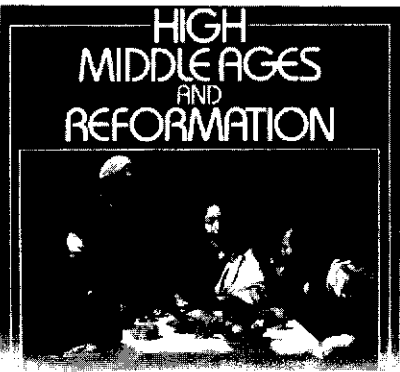
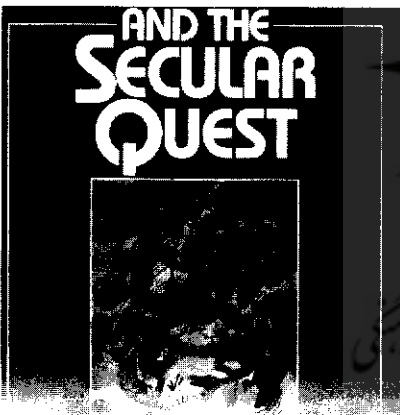
### انسان کامل (the perfect man): انسان

کامل در مجموعه واژگان ابن عربی اصطلاحی کلیدی است که سرمنشأ وجود فراگیر (۱) و همه‌جانبه است (الکون الجامع) و ابن عربی از این مفهوم در ابتدای کتاب «فصوص‌الحکم» خویش یاد می‌کند. به لحاظ هستی‌شناسی انسان کامل مبدأ و غایت کیهان و همچنین نمونه‌ای برای استکمال معنوی و زاهری انسان است و درحقیقت باطنش به‌مثابه غشاوه (۲) شناخته می‌شود (العماء). از پیامبر اسلام سؤال شد: «خداوند پیش از آنکه مخلوقات را خلق کند، کجا بود؟» او پاسخ داد: «در عماء بود که بالا و پایین او هیچ فضایی وجود نداشت.» غشاوه (ابر) در واقع تمامت نفس‌الرحمن است، تجلی محض وجود که در آن حروف (۳) و کلمات به‌روشنی ادا می‌شوند. این ابر خداوند در ازل پیش از آنکه مخلوقات را خلق کند، وجود داشت و میانجی میان او و مخلوقاتش بود.

این غشاوه واقعیت و واقعیت‌هاست (۴) (حقیقه الحقایق) که در آن همه اعیان ثابت به‌صورت کروی مطرح هستند.

با این وجود انسان کامل هم وجودی فراگیر است؛ به آن معنا که تمامی واقعیات را در برمی‌گیرد و هم متکون است، به این معنی که حنقال در بعد ظاهری به کلمه‌ای که از آن کلمه چیزها خلق شده‌اند متعلق است. او باریکه (برزخ) (۵) میان خدا و کیهان است، زیرا حقایق جاری میان خداوند و مخلوقات را ادراک می‌کند. در خداوند واحد و کثیر (۶) یگانه است. در عالم، کثرت متفرق و پراکنده است، اما در انسان کامل، وحدت و کثرت در میان تفکیک و پراکندگی بسیار مخلوقات به یک یگانگی دوباره در رسیده است. (۷) آنچنان که صدرالدین قونوی به روشنی اظهار می‌دارد که انسان کامل در درون خویش دارای پنج حضرت الهی (۸) است. پنج سطح جامعی که خداوند خویش را از مجرای آن سطوح شناسانده است. قونوی این حضرات را چنین برمی‌شمارد: «۱- حقیقه الحقایق یا حضرت علم ۲- جهان ارواح

- 19-command
- 20-equilibrium
- 21-hope
- 22-unceasing remembrance
- 23-conscience
- 24-attentiveness
- 25-consciousness
- 26-humility
- 27-instructions



است و چه آنچه مخلوق نیست، قرار می‌گیرد. محقق شدن در تمام ظرفیت بالقوه انسانی، او را تجلی نام فراگیر خداوند یعنی "الله" و از همه محدودیت‌های نام و نشان رها می‌کند. قونوی معتقد است: "اگر انسانی از مرکز به سمتی تغییر جهت دهد که متمایل به وابستگی‌ها شود، حتی اگر نام‌های یقینی الهی را بداند و مراتب غالب را طی کرده باشد از مقام اعتدال خارج خواهد شد و خداوند را فقط از نقطه ثابتی که محدود است به مرتبه نام، خواهد پرستید و رجای (۲۱) خویش را در بیشترین محدودیت، قرار خواهد داد..." (اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن)، اما انسان کامل، آنکه فعلش به منزله فعل الهی است، همیشه در نقطه تعادل می‌زید و آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن است، تابع و مطیع او هستند...

مؤیدالدین خبزی (۴) تعالیم ابن عربی را در ده اصل خلاصه می‌کند: ۱- مناومت بر آیین عبادی و خلوص اخلاقی ۲- ذکر سرمدی (۲۲) خداوند ۳- زدودن اندیشه‌های پریشان‌کننده ۴- واری همیشه نفس لوامه (۲۳) (مراقبه) ۵- بازاندیشی روزانه در باب افعال فردی (محاسبه) ۶- توجه (۲۴) به آنچه به درون خودآگاهی انسان (سریره) (۲۵) وارد می‌شود ۷- گرسنگی ۸- شب‌زنده‌داری ۹- سکوت و ۱۰- خشوع (۲۶) باطنی و اشک. اگر هیچ نکته قابل توجهی هم پیرامون این ارشادات (۲۷) در میان نباشد، این امر وجود دارد که این القائات در مهم‌ترین تعالیم اهل تصوف به صورت بنیانی مطرح شده که ابن عربی همه را در یک مجموعه روحانی و معنوی فراهم آورده است.

پی نوشت:

- 1- all-comprehensive
- 2- cloud
- 3- letters
- 4- reality of realities
- 5- isthmus
- 6- one and many
- 7- reunited
- 8- Five divine presences
- 9- macrocosm
- 10- microcosm
- 11- divine names
- 12- realized
- 13- meaning
- 14- other things
- 15- station
- 16- perfection
- 17- receptacle
- 18- descent

۳- جهان مثال ۴- جهان پیکره‌های جسمانی ۵- حضرت شهادت، که انسان کامل مجموع این حضرات را در خویش دارد. انسان کامل عالم کبیر (۹) است در حالی که فرد انسانی خود عالم صغیر (۱۰) به حساب می‌آید: "خداوند تنها خارج از انسان، جهان را خلق کرد تا تمثیلی برای او باشد و از آنجا که او غایت کاینات است... در درون او همه اسماء الهی و (۱۱) آثار این اسماء ارائه شده است." (فتوحات مکیه، جلد سوم، صفحه ۴۱۷).

اگر انسان کامل به لحاظ هستی‌شناسی الگوی نخستین جهان و فرد انسانی است، انسان کمال یافته‌ای نیز هست که شأن انسانی در گستره و عمق وجود او محقق (۱۲) شده است: آنچه‌ان که پیامبر اسلام (ص) فرمود: "خداوند آدم را بر صورت خویش آفرید؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: "خداوند تمامی اسماء را به آدم آموخت" (سوره بقره، آیه ۳۱) "الله" به‌عنوان اسمی که همه اسماء را زیر چتر خود دارد، حقیقه‌الحقایق به حساب می‌آید و این سخن که انسان بر شکل خداوند خلق شده" به این معنا است که خداوند "معنی" (۱۳) یا عین ثابت نوع بشر است، در حالی که انسان نیز صورت خارجی الهی یا عین موجود اوست، ماسوای (۱۴) او نیز انعکاس او هستند اما ناقص‌اند و از این رو تجلی اسماء کوچک‌تر الهی هستند. این تنها انسان کامل است که توانایی زیستن مطابق با چنین ظرفیت بالقوه انسانی را دارد و حقیقتاً در این مقام (۱۵) متحقق شده است.

او تنها جانشین خدا بر روی زمین است (خلیفه‌الله؛ سوره بقره، آیه ۳۰). انسانی که به اتقان دست نیافته است در این جهان تنها "حیوان عاقل" است نه "انسان" و با انسانیت آن قدر مرتبط است که یک جسد با انسانی زنده. بنابراین آنکه به استكمال (۱۶) در نرسیده... تنها جانشین فعلی است که در آن فعل می‌تواند وعایی (۱۷) (ظرف) برای همه اسماء الهی قرار گیرد (فتوحات، جلد دوم، صفحه ۴۴۱). آنچه‌ان که قرآن بیان می‌کند: "خداوند از آسمان کار و بار زمین را تدبیر می‌کند، سپس اعمال مردمان در روزی که اندازه‌اش هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید، به سوی او بالا می‌رود" (سجده، آیه ۵). این نزول (۱۸) امر (۱۹) نفحه نفس الرحمن است و زمانی که به پایین‌ترین نقطه از مرتبت انسانی رسید، باز می‌گردد. اگر برای انسانی مقدر شود که انسانی کامل شود، او به‌طریقی روحانی وارد خواهد شد که از مجرای آن می‌تواند به سرچشمه خویش یا دایره کامل وارد شود. آن‌گاه در نقطه مرکز دایره، تمکین خواهد یافت و در مقام اعتدال (۲۰) شناخته خواهد شد. از این رو انسان کامل در فاصله‌ای مساوی نسبت به همه واقعیت، چه آنچه مخلوق